

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشکده علوم قرآن تهران

عنوان پایان نامه:

نقد و بررسی روایات تحریف به نقیصه در «الکافی»،

«بحارالانوار» و «مرآه العقول»

استاد راهنما: دکتر عبدالهادی فقهی زاده

استاد مشاور: دکتر محمدی آشنانی

نگارنده: الهه محبی

تابستان ۱۳۹۰



وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشکده علوم و فنون قرآن تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن

موضوع: نقد و بررسی روایات تحریف به نقیصه در

«الکافی»، «بحارالانوار» و «مرآة العقول»

استاد راهنما: دکتر عبدالهادی فقهی زاده

استاد مشاور: دکتر محمدی آشنانی

نگارنده: الهه محبی

تابستان ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران می باشد.

چاپ پایان نامه و استخراج مقاله از پایان نامه باید با نام دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران، با تایید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی دانشگاه باشد.

چکیده:

علی رغم ضمانت الهی و تاکید عامه مسلمان بر تحریف ناپذیری قرآن، عده ای از اهل سنت و شیعیان، به تحریف به نقیصه معتقدند و گروهی دیگر نیز به این اعتقاد متهم شده اند. در این میان علمایی مانند کلینی که مجموعه روایی او «الکافی»، اصلی ترین مجموعه حدیثی شیعه است و علامه مجلسی که دائرة المعارف حدیثی او «بحارالانوار»، بزرگترین جامع روایی فریقین به شمار می رود، به عقیده به تحریف متهم شده اند. آنچه سبب این اتهام شده، یکی وجود دسته ای از روایات تحریف نما در این کتب، و دیگری عنوان برخی از ابواب کافی و بحارالانوار است و بر این اساس، اعتقاد به تحریف به نقیصه به این دو محدث برجسته نسبت داده شده است. حال آنکه با توجه به دلالت دقیق این دسته از روایات و گونه های متفاوت آن از حیث تاویلی، مصداقی و تفسیری بودن و توجه زیاد مولفان این کتب به جری و تطبیق و عناوین ابواب مورد نظر، و همچنین تأمل در دیگر ابواب کافی و بحارالانوار و وجود گزاره های تنزیهی فراوان در شأن قرآن، در آثار کلینی و مجلسی، می توان به اعتقاد راسخ مولفان این دو جامع حدیثی بر تحریف ناپذیری قرآن، پی برد.

کلید واژه ها: کلینی، مجلسی، روایات تحریف نما، تحریف به نقیصه، نزاهت قرآن از تحریف.

فهرست مطالب:

کلیات و مفاهیم:	۱.....
پیشینه:	۲.....
سئوالات تحقیق:	۱۰.....
فرضیات:	۱۰.....
اهداف:	۱۱.....
فصول تحقیق:	۱۱.....
فصل اول:	۱۳.....
بخش اول؛ «تحریف» در لغت و اصطلاح:	۱۳.....
۱. تحریف و مفهوم شناسی آن:	۱۴.....
۱-۱. «تحریف» در لغت:	۱۴.....
۱-۲. «تحریف» در اصطلاح:	۱۷.....
۱-۳. واژه «تحریف» در قرآن:	۱۷.....
۲. انواع تحریف:	۲۰.....
الف: تحریف لفظی:	۲۱.....
ب: تحریف معنوی:	۲۱.....
۲-۱. انواع تحریف لفظی:	۲۱.....
۲-۱-۱. تحریف به زیاده:	۲۱.....
۲-۱-۲. تحریف به نقیصه:	۲۲.....
الف: تبدیل الفاظ قرآنی به الفاظ مترادف:	۲۴.....

- ب: تقدیم و تأخیر الفاظ: ۲۴
- ج: تغییر در برخی حروف و حرکات: ۲۴
- د: جابجا کردن آیه: ۲۴
- ۲-۲. تحریف معنوی: ۲۵
- ۲-۲-۱. شواهدی بر برداشتهای نادرست از قرآن یا تفسیر به رأی: ۳۰
۳. دلایل تحریف ناپذیری قرآن: ۳۱
- ۳-۱. دلایل عقلی: ۳۱
- ۳-۱-۱. ضرورت اتمام حجت: ۳۲
- ۳-۱-۲. اعجاز و تحریف ناپذیری: ۳۳
- ۳-۲. دلایل نقلی: ۳۳
- ۳-۲-۱. آیات و حیانی: ۳۳
- الف: آیه حفظ، ضمانتی الهی: ۳۳
- ب: آیه شریفه نفی باطل: ۳۴
- ۳-۲-۲. دلایل نقلی روایی: ۳۵
- الف: لزوم ارجاع احادیث به قرآن: ۳۵
- ب: ارجاع مسلمانان به قرآن در بحران های فکری: ۳۶
- ج: قرآن و اهل بیت، دو شرط نجات: ۳۷
- د: استناد تمسک اهل بیت (ع) به آیات قرآن: ۳۸
۴. پیشینه تحریف ناپذیری و پیوند عمیق آن با تدوین قرآن در عصر نبوی: ۴۰
- ۴-۱. گزاره های مضطرب جمع قرآن: ۴۱
- ۴-۲. نقدهایی بر گزاره های جمع قرآن: ۴۳
۵. شواهدی بر کتابت و تدوین قرآن در عصر نبوی: ۴۷
- الف: اهتمام پیامبر نسبت به قرآن: ۴۸

- ب: وجود کاتبان، جایگزینی آیات در سوره ها و ترتیب سوره ها: ۴۸.....
- ج: روایات دال بر وجود مصاحف در عصر نبوی: ۴۹.....
- د: تعبیر «حسبنا کتاب الله» از سوی خلیفه دوم: ۵۱.....
- ه: روایات ختم قرآن: ۵۲.....
- بخش دوم: ۵۴.....
- خاستگاه اعتقاد به تحریف و پیشینه تحریف ناپذیری ۵۴.....
۱. خاستگاه اعتقاد به تحریف: ۵۵.....
۲. دیدگاه محدثان اولیه، درباره تحریف: ۶۵.....
۳. محدث نوری و «فصل الخطاب»: ۶۶.....
- ۳-۱. گزارشی از کتاب «فصل الخطاب»: ۶۸.....
- ۳-۲. فصول دوازده گانه «فصل الخطاب»: ۶۸.....
- ۳-۳. مصادر «فصل الخطاب»: ۷۰.....
- ۳-۴. انگیزه محدث نوری: ۷۰.....
- ۳-۵. محدث نوری و متهم کردن ثقه الاسلام کلینی و علامه مجلسی: ۷۲.....
- ۳-۶. ردیه هایی بر «فصل الخطاب»: ۷۲.....
- ۳-۷. نتایجی که از تحقیق و تفحص در «فصل الخطاب» حاصل می شود: ۷۴.....
۴. اتهام اهل سنت به شیعه درباره اعتقاد به تحریف: ۷۶.....
۵. اعتقاد به تحریف به نقیصه در نزد اهل سنت: ۸۱.....
۶. اولین آثاری که درباره تحریف قرآن سخن گفته اند: ۸۴.....
- فصل دوم ۸۵.....

بخش اول: کلینی و الکافی	۱۵
۱. ثقه الاسلام کلینی و مروری بر زندگی وی:	۱۶
۱-۱. جایگاه کلینی در میان شیعیان:	۱۷
۱-۲. جایگاه کلینی در میان علماء عامه:	۱۸
۱-۳. مشایخ کلینی:	۱۹
۲. اوضاع سیاسی - مذهبی ری و بغداد:	۹۱
۲-۱. ری:	۹۱
۲-۲. هجرت کلینی به بغداد:	۹۲
۲-۲-۱. کلینی در بغداد:	۹۳
۲-۲-۲. اوضاع سیاسی - فرقه ای بغداد:	۹۳
۲-۲-۳. وفات کلینی:	۹۳
۳. آثار و تالیفات کلینی:	۹۴
۴. مقدمه «الکافی»:	۹۵
۴-۱. انگیزه تالیف «الکافی»:	۹۶
۴-۲. ضرورت تالیف «الکافی»:	۹۸
۴-۳. نتایج حاصل از مقدمه «الکافی»:	۹۹
۵. تعبیر «الآثار الصحیحه» در مقدمه «الکافی»:	۹۹
۵-۱. دیدگاه کلینی درباره صحت یا عدم صحت مجموع روایات «الکافی»:	۱۰۳
۶. ارزیابی علامه مجلسی از روایات «الکافی»:	۱۰۴
۷. تبویب «الکافی»:	۱۰۵
۷-۱. دسته بندی عناوین ابواب «الکافی»:	۱۰۷

الف: عناوین بسیار شفاف و گویا در «الکافی»:	۱۰۷.....
ب: عناوین مبهم و خنثی:	۱۰۸.....
۲-۷. عناوین ابواب «الکافی»، فتاوای کلینی:	۱۰۹.....
۳-۷. عناوین ابواب «الکافی» برگرفته از روایات معصومان (ع):	۱۰۹.....
بخش دوم:	۱۱۱.....
روایات تحریف نما و مواجهه کلینی با آن ها	۱۱۱.....
۱. درآمد:	۱۱۲.....
۱-۱. بررسی مورد پژوهانه روایات تحریف نما و مواجهه کلینی با آن ها:	۱۱۳.....
۲. فهم کلینی از روایات تحریف نما:	۱۴۸.....
۳. نتایج حاصل از روایات تحریف نما در الکافی:	۱۵۰.....
۴. سخن آخر:	۱۵۱.....
فصل سوم:	۱۵۲.....
بخش اول: گذری بر زندگی علامه مجلسی:	۱۵۲.....
آثار علامه مجلسی:	۱۵۲.....
۱. آشنایی با علامه مجلسی و مروری بر زندگی وی:	۱۵۳.....
۱-۱. تحصیلات مجلسی:	۱۵۳.....
۱-۲. استادان مجلسی:	۱۵۴.....
۱-۳. شاگردان مجلسی:	۱۵۴.....
۱-۴. رحلت مجلسی:	۱۵۵.....
۲. خدمات علمی - دینی مجلسی:	۱۵۵.....

- ۲-۱. خلق دائره المعارف به نام «بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار» ۱۵۶
- ۲-۲. ابتکار عمل گروهی در تالیف بحارالانوار: ۱۵۶
- ۲-۳. ابتکار علامه در زمینه تفسیر موضوعی: ۱۵۷
- ۲-۴. جمع آوری کتب شیعه: ۱۵۷
- ۲-۵. استنساخ کتب شیعه و نشر آن: ۱۵۷
- ۲-۷. ترویج آداب و مستحبات اسلامی: ۱۵۹
- ۲-۸. برآوردن نیازهای دینی - مذهبی - اعتقادی - اجتماعی - فطری عامه مردم: ۱۵۹
۳. مهم ترین آثار و تالیفات علامه مجلسی: ۱۵۹
- ۳-۱. بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع): ۱۶۰
- ۳-۱-۱. انگیزه تألیف «بحار الانوار»: ۱۶۰
- ۳-۱-۲. گام های اولیه در تدوین «بحارالانوار»: ۱۶۱
- ۳-۱-۳. مراحل تدوین «بحارالانوار»، از لسان مجلسی: ۱۶۲
- ۳-۱-۴. کاوشی در تبویب بحارالانوار: ۱۶۳
- ۳-۱-۵. منابع مجلسی در «بحارالانوار»: ۱۶۶
- ۳-۱-۶. شیوه نقل اسناد و متون روایت در «بحارالانوار»: ۱۶۹
- ۳-۱-۷. گزاره های فقه الحدیثی در «بحارالانوار»: ۱۷۰
- ۳-۱-۷-۱. ضرورت شرح و بیانات مجلسی در «بحارالانوار»: ۱۷۱
- ۳-۱-۸. جایگاه «بحارالانوار» و میزان اعتبار روایات آن: ۱۷۲
- ۳-۲. «مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ص)»: ۱۷۳
- ۳-۲-۱. انگیزه تالیف «مرآة العقول»: ۱۷۴
- ۳-۲-۲. حدیث نگاری در «مرآة العقول»: ۱۷۵
- ۳-۲-۳. دیدگاه مجلسی درباره روایات «الکافی»: ۱۷۶
- ۳-۲-۴. اعتبار روایات «الکافی» از نظر علامه مجلسی: ۱۷۶
- ۳-۲-۵. اهتمام مجلسی به اصل «جری و تطبیق»: ۱۷۸

بخش دوم:	۱۸۱
بررسی روایات تحریف نما و مواجهه مجلسی با آن ها	۱۸۱
۱. بررسی روایات تحریف نما در «بحارالانوار» و نوع مواجهه مجلسی با آنها:	۱۸۲
۲. برخی از بیانات مجلسی درباره روایات تحریف نما:	۲۱۱
۳. نتایج حاصل از بیانات مجلسی درباره روایات تحریف نما:	۲۱۳
جمع بندی و نتیجه گیری	۲۱۸
کتاب نامه:	۲۲۲
چکیده عربی:	۲۳۴
چکیده انگلیسی	۲۳۵

کلیات و مفاهیم:

مجموعه‌ای از حقائق الهی، در مدت ۲۳ سال به وسیله امین وحی بر قلب پیامبر اکرم (ص) نازل گردید. از همان روز نخست که این کلمات بر لسان پیامبر اکرم (ص)، طنین انداخت و گوش دلها را به خود متوجه ساخت، اهریمنانی انسان نما، به تلاش های مذبوحانه‌ای دست زدند، «نغمه‌های ناموزونی» ساز کردند، «سحر آشکارش»^۱ خواندند، «اساطیر الاولینش»^۲ گفتند، «خیالات پریشان»^۳ پنداشتند، و چون از این راه به مقصود خود نرسیدند به معارضة با آن برخاستند.

پیامبر اکرم (ص)، کمال مراقبت در حفظ و پاسداری از آن را داشتند و به مسلمانان توصیه می‌فرمود: به این ریسمان محکم الهی، چنگ بزنید و خود را از چاه ضلالت برهانید. در حدیثی مسلم بین الفریقین، فرمود: «من دو چیز بزرگ و گرانبها را در میان شما می‌گذارم اگر به این دو چنگ زده و متمسک شوید هرگز گمراه نخواهید شد و قطعاً نجات می‌یابید، و این دو، یکی قرآن و دیگری اهل بیت من است.»^۴؛ اما عده‌ای با فریاد: «حسبنا کتاب الله»^۵؛ خود را از توصیه پیامبر، بی‌نیاز دانستند. در این حال، یکی از دو میراث ارزشمند رسول خدا (ص)، «عترت» کنار زده شد و همین یک جمله در طول تاریخ چه آثار غم‌انگیزی به بار آورد که عبد الله بن عباس پیوسته اشک می‌ریخت و می‌گفت:

۱. ﴿... لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾. قطعاً کافران می‌گفتند: «این [چیزی] جز سحر آشکار نیست.»، الانعام، ۷.

۲. ﴿وَقَالُوا أَأَسْطِيرُ الْأُولِينَ أَكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾، «و گفتند: «افسانه‌های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته، و صبح و شام بر او املا می‌شود.»، الفرقان، ۵.

۳. ﴿بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ﴾، «بلکه گفتند: «خوابهای شوریده است، [نه] بلکه آن را بریافته، بلکه او شاعری است.»، الانبیاء، ۵.

۴. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثِّي أَهْلَ بَيْتِي»، مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار (ع)، تحقیق: ابراهیم میانجی، محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۳م، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۹۹؛ مفید، محمد بن نعمان، بیروت، تصحیح الاعتقادات الامامیه، تحقیق: حسین درگاهی، دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع، موسسه آل البيت (ع) لتحقیق التراث، ۱۹۹۳م، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۱.

۵. «کتاب خدا ما را کافی است»، امینی نجفی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۶۷م، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۴۱؛ عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۱.

«یوم الخمیس ما یوم الخمیس»^۱ و آنقدر گریه می‌کرد که زمین از اشک چشم او تر می‌شد. پرسیدند در روز پنجشنبه چه حادثه ای واقع شده که یاد آن روز تو را چنین منقلب می‌سازد؟ می‌گفت روزی است که بیماری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شدت نمود و فرمود دوات و کتفی بیاورید تا برای شما کتابی بنویسم که گمراه نشوید، خلیفه ثانی، مانع شد و گفت: محمد (ص)، هذیان می‌گوید، آن روز، «یوم الخمیس» بود. در گذر این فراز و نشیب ها، و علی رغم ضمانت اطمینان بخش خداوند^۲، همواره قرآن نیز از اتهام هایی مصون نمانده است؛ و مسئله احتمال تحریف ناپذیری قرآن از دیرباز، میان اندیشوران و قرآن پژوهان مطرح بوده است و جایگاه بلند و رفیع قرآن اینطور می‌طلبد که در کنار اعجاز و فرازمینی بودن، سلامت و پیراستگی آن از هرگونه دخل و تصرف ثابت شود.

اگر کسی به احتمال هرگونه دخل و تصرف، اعم از تحریف به کاستی یا فزونی در قرآن تن در دهد، خواسته یا ناخواسته اعتبار این کتاب را به عنوان سند زنده آخرین دین الهی که روایتی از صادق مصدق، امام جعفر صادق (ع) که: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَمْ يَمُتْ وَإِنَّهُ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ...»^۳، مؤید بر این است، مخدوش می‌کند.

پیشینه:

بر خلاف عقیده ای، مبنی بر اینکه اعتقاد به تحریف به نقیصه، به اعتبار قرآن زیان نمی‌رساند؛ زیرا این ادعا، منحصر به حوزه ای خاص از آیات معارف، نظیر مبحث امامت و ولایت است و آیات احکام را در بر نمی‌گیرد؛^۴ اما در میان علمای شیعی، هرگونه گفتگو درباره علوم و معارف قرآن، منوط به اثبات سلامت قرآن و نزاهت آن از تحریف است و شبهه تحریف، به حجیت همه آیات حتی آیات

^۱ روی من صحیح البخاری و مسلم حدیث ابن عباس: «أن عمر منع النبي (ص) من الكتاب الذي أراد أن يكتبه لا يضلون بعده، و أن ابن عباس كان يقول: يوم الخميس وما أدراك ما يوم الخميس؟ ثم يبكي حتى تبل دموعه الحصى، و يقول: الرزیه کل الرزیه ما حال بین رسول الله (ص) و بین کتابه.» برای مطالعه بیشتر، نک: ابن شاذان نیسابوری، الايضاح، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ش، ص ۳۶۰؛ ابن حنبل، احمد؛ المسند، بیروت، دارصادر، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۵؛ بخاری، محمد، الصحیح، بی جا، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق، ۱۹۸۱م، ج ۷، ص ۹.

^۲ الحجر، ۹.

^۳ «همانا قرآن زنده ای است که نمی‌میرد، و همچون ماه و مهر و شب و روز در جریان است»، مجلسی، محمدباقر، پیشین، ج ۳۵، ص ۴۰۳.

^۴ انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، جامعه مدرسین، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸؛ آخوند خراسانی، کفایه الاصول، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا، ج ۲، ص ۶۳.

الاحکام، صدمه وارد می کند؛ زیرا آیات قرآن، بسان حلقه های زنجیر به هم بسته اند و چون اجزاء یک ساختمان با پیوستگی عمیق و ارتباط انیق با یکدیگر بنیان یک بنا را تشکیل می دهند و چنان نیست که آیات فقهی با آیات معارف، حقوق و اخلاق ارتباطی نداشته باشند؛ بنابراین، حتی اگر محدوده شبهه تحریف را بیرون از آیات فقهی بدانیم، این احتمال هست که در میان آیات معارف، قرینه ای ناظر به آیات فقهی باشد که با حذف این آیات، فقیه نمی تواند به دلالت آیات فقهی تمسک کند.

از سوی دیگر، نمی توان میان آیات فقهی و آیات معارف، مرزبندی کرد؛ زیرا بسیاری از این آیات در هم تنیده اند، چنان که برخی از آیات صدر آن درباره عقیده و میانه آن درباره اخلاق و بخش پایانی آن درباره فقه و حقوق است. بنابراین پذیرش شبهه تحریف، بر همه آیات قرآن کریم، تاثیر گذار خواهد بود^۱ و اعتبار قرآن را مخدوش می کند؛ زیرا قرآن کریم، معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص) است و در آن هیچگونه کژی و دگرگونی روی نداده و دستخوش تحریف نشده است. از طرفی در آیات و عبارات آن هیچگونه اختلاف و تناقضی دیده نمی شود. از اینروست که «هادی»^۲ خوانده شده است.

ملاحسن فیض کاشانی در این باره می گوید: اشکالی که بر این مدعا وارد است، آنکه در صورت قبول چنین امری، دیگر هیچگونه اعتماد و اطمینانی بر قرآن و هیچ جزئی از آن، باقی نمی ماند و بر این اساس، محتمل است که هر آیه ای از آن، دستخوش تحریف و دگرگونی قرار گرفته و خلاف چیزی باشد که خداوند نازل کرده است؛ در این صورت در قرآن چیزی که برای ما حجت و دلیل باشد باقی نمی ماند و فایده آن منتفی و امر به پیروی و تمسک به آن و عرضه اخبار بر آن، بیهوده است. از طرف دیگر، در برابر ضمانت خداوند متعال: ﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^۳ و نیز ﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۴ چگونه ممکن است تحریف در آن راه یابد.^۵

در این میان، نیز برخی مانند تعدادی از خاورشناسان مانند، گلدزیهر، فرصت را غنیمت شمرده، با استفاده از رخنه تفکر تحریف در میان شماری از اندیشوران فریقین، در کتاب: «مذاهب التفسیر الاسلامی»، به قرآن تاخته و به گمان خود بی اعتباری این کتاب آسمانی را بر کرسی نشانده است.

آنچه بیش از همه بهانه نگارش این سطور شده آن است که در ادامه نسبت های دروغین و عاری از حقیقت به ساحت شیعه، برخی کوشیده اند، قول به تحریف قرآن را به عنوان عقیده ای رایج و مشهور در تاریخ امامیه قلمداد کنند. ایشان، درباره شیعه این گونه قضاوت می کند: شیعه، گمانشان بر این است که قرآن، تبدیل، تغییر، زیاد و کم و از جایگاه خویش، تحریف شده است و امت اسلامی، همین

۱. جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۲ش، ص ۲۵-۲.

۲. ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾، «قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می نماید.» الاسراء، ۹.

۳. «... و به راستی که آن کتابی ارجمند است. از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات].»، فصلت، ۴۲-۴۱.

۴. «بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.»، الحجر، ۹.

۵. فیض کاشانی، محمدمحسن، المحججه البيضاء (راه روشن)، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۳۶۴.

تحریف را در سنت پیامبر نیز انجام داده است. سبب همه این عقائد، عقائد عالم شیعی، هشام بن حکم است. شیعه هم از روی جهالت و حماقت! در این تحریف، تابع او شده‌اند.^۱

«آلوسی»، دیگر نویسنده اهل سنت، در مقدمه تفسیرش به شیعه تاخته^۲ و می‌نویسد: «شیعه توهم کرده‌اند که عثمان بلکه ابو بکر و عمر هم قرآن را تحریف و بسیاری از آیات و سوره‌ها را ساقط کرده‌اند.» وی می‌گوید: قرآنی که امروزه در شرق و غرب عالم، مرکز و مورد توجه مسلمانان است، از دیدگاه شیعیان، نسبت به تورات و انجیل، تحریف بیشتری را در بر دارد و از نظر تألیف نیز از آن دو کتاب، ضعیف‌تر و جامع اباطیل بیشتری است.

وی سپس می‌گوید: و تو آگاهی! که پذیرش قول به تحریف از ناحیه شیعیان، سست‌تر از خانه عنکبوت است و ﴿...إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ...﴾^۳

او سپس می‌افزاید: بعضی از علمای شیعه، هنگامی که به زشتی قول به تحریف، آگاهی یافتند، در دفاع از خویش گفتند: این قول، فقط به برخی از علماء اختصاص دارد نه به همه شیعه^۴.

در این میان، افرادی نیز مانند، محمد مال الله، در کتاب «الشیعه و القرآن»، و احسان ظهیر الهی در کتاب «الشیعة و القرآن» به جای اینکه همت خویش را در بحث تحریف ناپذیری قرآن، مصروف سازند، به اثبات اعتقاد شیعه به تحریف قرآن پرداخته‌اند. بزرگتری علت این امر، متاسفانه این است که مولفین، زحمت مراجعه به آرای بزرگان از علماء شیعه را که در این اثر ذکر خواهد شد، به خود نداده‌اند؛ بلکه به جای آن به نوادر اقوال، متمسک گردیده‌اند. ایشان سعی کرده‌اند در اکمال این اعتقاد بکوشد و مذهب حقه شیعه را به تحریف قرآن متهم نمایند.

این افراد، هرچند به ظاهر، مخالفت اساسی با دین ندارند؛ اما از طرق گوناگون، در صدد بر آمدند که اندیشه تحریف پذیری قرآن را به شیعیان، نسبت دهند. گروهی دیگر، همت گماردند تا در ظاهر با پاسخگویی به این شبهات، به حل مشکل بپردازند؛ اما به توجه به «ذو وجوه»^۵ بودن کلام معصومان و عدم آشنایی کامل با گزاره‌های گهربار کلام ایشان و عدم آشنایی با ادبیات عرب، اسلوب و شیوه‌های متنوع بیانی، گرفتار توهم وجود تحریف به نقیصه در قرآن گردیدند و در واقع با بیان مطالبی که از کژ فهمی آنها نشأت گرفته بود، به این فتنه دامن زدند و باعث جلوه گر شدن شبهه تحریف به نقیصه در

۱. خرم آبادی طاهری، حسن، عدم تحریف قرآن، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵ش، ص ۲۱ به نقل از اعجاز القرآن رافعی، ص ۱۴۳ (در حاشیه).

۲. برای مطالعه بیشتر: نک: ابوشهبه، محمد، المدخل لدراسة القرآن الکریم، قاهره، مکتبه السنه، ۱۴۲۳ق، ص ۲۸۸.

۳. «... سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است...»، العنکبوت، ۴۱

۴. آلوسی بغدادی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۵.

۵. کلینی، محمد، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۴۱۰؛ و: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۲.

قرآن شدند. میرزا حسین نوری طبرسی، با تالیف کتاب «فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب» بیشترین نقش را در ایجاد پدیده تحریف پذیر بودن قرآن دارد، تا جایی که می توان این کتاب را از جمله عواملی دانست که شبهه تحریف قرآن را در نای برخی دمید و علمایی مانند مانند کلینی و مجلسی را از قائلین به تحریف پذیری قرآن بر شمرد.^۱

در چنین فضایی، خصوصاً شیعه بر خود فرض می داند که ضمن دفاع از حریم قرآن و نزاهت کامل آن از تحریف، متهم شدن عالمان شیعی را به پندار تحریف پذیری قرآن، مورد بحث و بررسی دقیق قرار دهد و اذهان را از این تهمت ناروا، پیراسته سازد. از آنجا که بی تردید به تائید روایت صادق مصدق (ع)، «لقد تجلی الله لعباده فی کلامه و لکن لا یبصرون»^۲ و با اینکه چهارده قرن از نزول قرآن^۳ می گذرد، در آیات و عبارات آن تغییر و تبدیلی صورت نگرفته؛ زیرا خداوند حراست و صیانت از آن را خود عهده دار گردیده است؛ و آن را به گونه ای نازل فرموده که همه مطالبش حق، و در آن هیچ کلام باطل و نادرستی وجود ندارد. گرچه این مطلب از دیدگاه مسلمانان امری مسلم و خدشه ناپذیر است؛ اما از آنجا که برخی کوشش نموده اند با مطرح کردن شبهات بی اساس، اصالت و حقانیت قرآن را زیر سؤال ببرند و در صدد فریفتن عوام برآیند، و سعی در کم فروغ کردن نور قرآن کنند، به همین جهت دانشمندان مسلمان با آنکه خود به عدم وجود تحریف به نقیصه در قرآن، اعتقاد راسخ دارند و کلام وحی را عاری و منزّه از زیاده و نقصان دانسته اند، در عین حال برای صیانت از حریم قدسی قرآن و بر ملا نمودن ادعاهای بی اساس، پاسخ گفتن به این شبهات را امری ضروری می دانند.

در بحث از تحریف قرآن، شیعیان به صورت خاص، متهم به اعتقاد به تحریف قرآن کریم شده و این افتراوات از گذشته دور تا امروز، چنان وسیع و گسترده بوده، که بسیاری از اهل سنت آن را از مسلمات می شمارند^۴؛ اما معتقدان به تحریف قرآن، جماعتی قلیل اند، که با توجه به ادله متقن که به آنها اشاره می کنیم، عقیده شان، باطل و قولشان بی اساس است.

چگونه دست تحریف گران به کتابی باز می شود که از ابتدای نزولش، پیوسته در همه محافل، در نماز و غیر نماز، قرائت میشده و در هر عصر و زمان، حافظان فراوانی داشته و حتی کاتبان وحی را به

^۱ نوری طبرسی، حسین، فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب، طبعه حجر، بی تا، المقدمه الثالثه، ص ۲۵؛ و: آلوسی بغدادی، محمود، پیشین، ج ۱، ص ۲۴.

^۲ «همانا خداوند در کلامش برای بندگانش تجلی کرده است؛ اما ایشان نمی بینند.»، عاملی، بهاء الدین، مفتاح الفلاح، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق، ص ۳۷۲.

^۳ «کتاب أنزلناه إليك مبارك ليدتبروا آياته و ليتذكر أولوا الألباب» [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند.»، ص ۲۹.

^۴ حسینی طهرانی، محمد حسین، معرفه الامام، بیروت، دارالمحجّه البيضاء، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۱۰۲، به نقل از «تحت رایه القران»، ص ۱۶۱.

هنگام نزول، تا چهل نفر نوشته اند و تمام تعلیمات مسلمانان در آن بوده و هست و به یقین احتمال تحریف در چنین کتابی غیر عاقلانه است.^۱

از آنجا که نخستین گام در پژوهش و تحقیق، آشنایی کامل با منابع و تحقیقات انجام شده در آن موضوع است و از طرفی تکرار کارهای انجام شده و پربار نبودن برخی از پژوهش‌ها غالباً به خاطر بی‌اطلاعی محقق از سرچشمه‌های آن موضوع است، شناسایی منابع، ضروری به نظر می‌رسد. هرچند متخصصان فن کتاب‌شناسی، کارهای بزرگی را در این زمینه انجام داده‌اند که «الذریعه الی تصانیف الشیعة» تألیف مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی از این قبیل است؛ ولی برای دسترسی بهتر و آسانتر به منابع، داشتن کتاب‌شناسی موضوعی از ضروریاتی است که می‌تواند مکمل زحمات گذشتگان باشد. آثاری را که در زمینه «تحریف یا عدم تحریف پذیری» نوشته شده است، می‌تواند در پنج محور خاص، به شرح زیر، دسته‌بندی کرد:

- الف) کتاب‌هایی که مستقلاً پیرامون تحریف یا عدم تحریف قرآن نوشته شده است.
- ب) مقالاتی که در مطبوعات درباره تحریف یا عدم تحریف قرآن به چاپ رسیده است.
- ج) کتاب‌های علوم قرآنی که حاوی بحث پیرامون تحریف یا عدم تحریف قرآن می‌باشند.
- د) کتاب‌هایی در موضوعات مختلف که حاوی بحث درباره تحریف یا عدم تحریف قرآن است.
- ه) بعضی از کتب تفسیر قرآن که مقدمه آنها حاوی بحث درباره تحریف یا عدم تحریف قرآن است.

در این جا شایسته است، به آماری از موارد بالا اشاره کنیم:

الف) کتاب‌هایی مستقلاً پیرامون تحریف یا عدم تحریف تألیف شده‌اند که در این مجال، تنها به چندین نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. آلاء الرحیم فی الرد علی التحریف القرآن؛ عبدالرحیم مدرس ماهر تبریزی خیابانی،

رقعی، عربی ۶۳.

۲. افسانه تحریف قرآن، رسول جعفریان، محمود شریفی، معاونت فذهنگی سازمان

تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ش، رقی، فارسی.

۳. البرهان علی سلامة القرآن من الزيادة و النقصان، سعدی یاسین، (م ۱۳۹۶) المکتب

الاسلامی، بیروت، چهارم، جیبی، عربی، ۱۱۹ص.

۴. تدوین القرآن، علی کورانی، دارالقرآن الکریم، قم، چ: اول، وزیری، عربی، ۴۸۷ص.

^۱. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، ناشر: مدرسه امیرالمؤمنین، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۲.

۵. تحریف و نزول دفعی قرآن، محمدهادی معرفت، کنگره هزاره شیخ مفید، قم، چ: اول، وزیری، فارسی، ۱۲ص.

۶. التحقيق في نفي التحريف عن القرآن الشريف، علی حسینی میلانی، دارالقرآن الکریم، قم، چ: اول، ۲۷ رجب ۱۴۱۰ق، وزیری، عربی، ۳۷۱ص.

۷. صيانة القرآن من التحريف، محمدهادی معرفت، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چ: اول، ۱۴۱۳ق، وزیری، عربی، ۳۲۸ص.

۸. فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب، حسین نوری طبرسی، ۱۲۹۸ق، وزیری، عربی، ۳۸۵ص.

(ب) برخی از مقالاتی که درباره تحریف یا عدم تحریف قرآن به چاپ رسیده است:

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۵/۲۷، تبیین رای علماء امامیه درباره عدم تحریف قرآن، ص: ۷، علامه حسن حسن زاده آملی.

۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۷/۱۲، بررسی مسئله تحریف و نقصان در قرآن مجید، ص: ۷، علامه ابوالحسن شعرانی.

۳. مجله آئینه پژوهش، ۱۳۷۰/۱۱، معرفی کتاب دفاع عن الکافی، اثر: ثامر هاشم عمیدی، درباره تحریف قرآن از دیدگاه شیعه و اهل سنت و ریشه های تحریف، در منابع اهل سنت، ص: ۷۷.

۴. مجله التوحید، ۱۴۰۴/۳، ادله نفي تحريف قران در تفسير الميزان، تالیف علامه طباطبایی، ص: ۱۹، محمدتقی ابراهیم.

۵. مجله التوحید، ۱۴۱۶/۷، بحثی پیرامون مسئله تحریف قرآن کریم و بررسی دیدگاه مذهب تشیع، ص: ۱۵، بهاءالدین خرمشاهی.

۶. مجله بینات، ۱۳۷۳/۶، مسئله تحریف و مشکلات ادبی قرآن، ص: ۷۷، محمدباقر بهبودی.

۷. مجله تراننا، ۱۴۰۳/۷، معرفی کتاب فصل الخطاب میرزا حسین نوری درباره تحریف قرآن، ص: ۱۹، عبدالجبار رفاعی.

۸. مجله رساله الثقلین، ۱۴۱۴/۴، بحثی پیرامون تحریف قرآن، ص: ۷۳، آیت الله محمد هادی معرفت.

(ج) برخی از کتاب های علوم قرآنی که حاوی بحث پیرامون تحریف یا عدم تحریف قرآن می باشند:

۱. آراء حول القرآن، آیت الله العظمی سید علی الفانی الاصفهانی، دارالهادی، بیروت، چ: اول، ۱۴۱۱ق، وزیری، عربی، ۲۱۶ص.

۲. آنچه باید از قرآن بدانیم، عبدالرحمن انصاری، چ: دوم، ۱۳۷۱ش، ۱۴۱۲ق، وزیری، فارسی، ۱۵۹ص.

۳. تاریخ قرآن، محمد هادی معرفت، انتشارات سمت، تهران، چ: دوم، بهار ۱۳۷۷ش، وزیری، فارسی، ۲۱۶ص.

۴. ترجمه، نقد و تحقیق کتاب مقدماتان فی علم القرآن، مجید معارف، مدرسه تربیت مدرس، بهمن ۱۳۶۴ش.

۵. پژوهشی نو درباره قرآن کریم، سید جعفر مرتضی عاملی، محمد سپهری، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، تهران، چ: اول، بهمن ۱۳۷۴ش، ۱۰ صفر ۱۴۰۹ق، وزیری، فارسی، ۳۴۷ص.

۶. حقائق هامه، سید جعفر مرتضی عاملی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چ: اول، ۱۴۱۰ق، وزیری، عربی.

۷. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، جمعی از محققین، حسن سعید، گردآورنده، تهران، چ: اول، عید سعید غدیر، ۱۴۰۶ق، وزیری، فارسی، ۲۱۶ص.

۸. شناخت قرآن، سید ابوالقاسم خوبی، محمد صادق نجمی، هاشم هریسی، دفتر مدینه العلم، قم، شعبان ۱۴۰۲ق، وزیری، فارسی، ۳۲۷ص.

د) نمونه ای از کتاب هایی با موضوعات مختلف که حاوی بحث، پیرامون تحریف یا عدم تحریف قرآن هستند:

۱. اجوبة موسى جارالله، عبد الحسين شرف الدين موسوى (م ۱۳۷۷ق) سيد عبدالزهراء ياسرى، مجمع جهانى اهل بيت عليهم السلام، قم، چ: اول، وزیری، عربی، ۱۳۰ص.

۲. الاعتقادات، شيخ صدوق، (م ۳۸۱ق) كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، قم، چ: اول، ۱۴۱۳ق، وزیری، عربی.

۳. اوائل المقالات، محمد بن نعمان عكبرى بغدادى، (شيخ مفيد) كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، قم، چ: اول، ۱۴۱۳ق، وزیری، عربی.

۴. بيست پاسخ به موسى جارالله، علامه سيد شرف الدين، محمد مختار شاهى، (طبسى) انتشارات جهان آرا، تهران، ۱۳۹۳ق، جیبی، فارسی، ۳۲۲ص.

۵. پاسخ شبهاتى پيرامون مكتب تشيع، عباس على موسوى، احمد بهشتى، مركز چاپ و نشر سازمان تبليغات اسلامى، تهران، چ: اول، ۱۳۷۱ش، رقعی، فارسی، ۳۱۶ص.

۶. الذريعة الى تصانيف الشيعة ج ۳، آقابزرگ طهرانى، دارالاضواء بيروت، وزیری، عربی.

۷. سعد السعود، سيد بن طاووس حسنى، (م ۶۶۴) دارالذخائر للمطبوعات، وزیری، عربی،

۳۱۳ص.